

جنبش اعتراضی معلمان.....	صفحه ۴	ویژگی‌های آن (۳)!	صفحه ۸
علم بدون عمل، درخت بدون ثمر است.....	صفحه ۵	جنبش جهانی کمونیستی.....	صفحه ۱۳
تصمیم ما.....	صفحه ۷	پایگاه‌های جدید ایالات متحده آمریکا به منظور تقویت و حفظ سلطه	
موج توفنده جنبش کارگری.....	صفحه ۷	جهانی خود.....	صفحه ۱۳
مصاحبه‌ای با شاه رخ زمانی پیرامون حزب سیاسی طبقه کارگر و		نگاهی به انتخابات آمریکا.....	صفحه ۱۳

مبارزه سندیکای اتوبوس رانی تهران و شورای کارگری هفت تپه علیه موازی سازی

زنده و پیروز باد مبارزه به حق کارگران !

سرکوب مبارزه سندیکای هفت تپه توسط انحصارگران خصوصی و دولتی ادامه دارد. نپرداختن مزدهای معوقه و خواسته‌های به حق کارگران توسط سرمایه دارانی که در زمانی کوتاه می‌خواهند راه صد ساله دزدان سرمایه دار را در تبدیل به انحصارگران معظم صد روزه طی کنند و جواب مناسب را به سیاستها و مقررات جهان خوار : بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و تجارت آزاد جهانی نوامپریالیستی با گردن نهادن در ایجاد بازار آزاد بقیه در صفحه سوم

مبارزه‌ی جاری در جنبش کارگری که دو تشکیلات مستقل کارگری در گیر آن هستند ، مبارزه ایست بر سر راه پیشروی به جلو ، برسر تعیین بدیل انقلابی ، برسر آینده‌ی ایران و حتی منطقه . امروز جنازه رژیم جمهوری اسلامی تو خیا بان ها ولو است ، حزب پیشرو انقلابی و تشکلات پولادین آبدیده در مبارزه عملی و رو در رو با حافظان جنازه ها را می خواهد تا نظام را برای همیشه سرنگون کنند و همچون نظام سلطنتی به زباله دادن تاریخ بریزند. مبارزه‌ی کنونی کارگران ، معلمان و توده‌های ستمدیده‌ی ملیت‌های ایران ، مبارزه زنان و بطور کلی اکثریت عظیم مردم امروز بر سر دو راه ، دو جهانبینی ، دو سبک کار ، دو آینده که از دو طبقه متخاصم برمی خیزند قرار دارد. طبقه کارگر و طبقه بورژوازی. درک همه جانبه این موضوع از ضروریات تشکلات آگاه و وظیفه شناس کنونی است. مبارزه‌ی جاری کارگران ایران از جمله مبارزه‌ی سندیکای مستقل کارگری اتوبوس رانی تهران را علیه دارودسته موازی ساز ترابیان از همین نوع و در چارچوب همین مبارزه‌ی جاری بقیه در صفحه دوم

بدون تئوری انقلابی، جنبش انقلابی ممکن نیست

به دفاع از مبارزات کارگری

دور جدید مبارزات کارگری علیه حاکمیت فاسد مجدداً سر برآورده است ، کارگران هفت تپه ، فولاد اهواز ، اعتصاب رانندگان کامیون ، کارگران هپکو اراک بر سر خواست‌های تقریباً یکسان از جمله تامین امنیت شغلی ، پرداخت حقوق ها ، مسائل بازنشستگی ، مبارزه با تورم و گرانی ، مبارزه با فساد ، آزادی بازداشت شدگان و... باز هم دست به تحصن ، اعتصاب ، تجمع و ... زده اند. هر بار که از اعتراضات می‌گذرد حمایت توده‌ای از این اعتصابات و تحصن ها بیشتر می‌شود . هجوم نیروهای انتظامی به اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه و دستگیری ۱۸ نفر تا تاریخ دوشنبه و سپس آزادی ۸ نفر از آنان هم نتوانست که خشم کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و حتی مغازه داران حامی این حرکت را خاموش کند و تحصن کارگران فولاد اهواز و نیز بقیه در صفحه سوم

مملو از فداکاریها و جان دادن‌ها در به دست آوردن این تئوریهای علمی و پراتیک غنی مبارزاتی و تلاش در تکامل آنها در عمل انقلابی پیروز قابل دفاع می‌باشد. از نظر تاریخی در به کار بستن تئوری بورژوازی، خرده بورژوازی به مثابه وسیع ترین نیروی بینابینی در آرزوی کشیدن خود به سطح بورژوازی، بهترین نیروی زیر دست خودی را یافت که در مقابله با نیروی کارگری با به عاریت گرفتن از آنارشیسم در ظاهر چپ، سوسیال دموکراسی در قالب رفرمیسم، اپورتونیسم و حتا رویونیسم نظیر برنشتینیسم، کائوتسکیسم چه با به عاریت گرفتن تئوری کمونیسم علمی مارکس و انگلس تا شروع قرن بیستم انشقاق بزرگی در جنبش کارگری بوجود آوردند. بعد از رشد و تکامل دادن این تئوری توسط لنین، قبل و بعد از انقلاب اکتبر جماعت خرده بورژواها توسط بقیه در صفحه دوم

تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی از ۱۷۰ سال پیش با طلوع مانیفست حزب کمونیست، تئوری جنبش انقلابی کمونیستی و کارگری جهانی؛ ۱۰۱ مین سالگرد تکامل این تئوری با پیروزی جنبش انقلاب اکتبر روسیه کارگری تحت رهبری حزب کمونیست روسیه، ۶۹ مین سالگرد تکامل این تئوری با پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین چین تحت رهبری حزب کمونیست چین می‌گذرد که در این سالها هم تئوری کمونیسم علمی و هم پراتیک ماتریالیستی - دیالکتیکی خلافانه کمونیسم انقلابی به طور درخشانی در هدایت موفقیت آمیز به پیش جنبش کارگران و زحمتکشان جهان گام بزرگی را به پیش رهنمون شدند. آموزش از این تاریخ پرثمر تنها قدردانی از آنها کافی نیست بلکه به کار بستن این آموزشهاست که امروزه شرط نشان دادن صداقت و تعهد کمونیستها نسبت به این تاریخ

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



مبارزه سندیکا...بقیه از صفحه اول

دو طبقه باید توضیح داده شود. تاریخ گواه براین است که توده ها جهان کنونی را با دست و اندیشه خود ساخته اند ، پیشرفت بشر همراه بوده است با قیام ها و خیزش های بزرگ انقلابی چون هر بار و هر زمان که تضاد های طبقاتی به حد انفجاری رسیده است ، حاکمان و صاحبان قدرت سیاسی به آسانی از صحنه خارج نشده اند . امروز تاریخ هزار ساله بشر بار دیگر در جامعه ما خود را در سطحی تکامل یافته ، بغرنج و پیچیده نشان می دهد. چون مرتجعان حاکم با بحران عمومی که روبرو شده اند و بار دیگر توده ها سراسری در حال خیزشند ، برای نجات خود کلیه ابزار های ضد مخالفان را بکار انداخته تا شاید صباحی دیگر به زندگی نکبت بارشان ادامه دهند. رژیم جمهوری اسلامی یک اژدهای هزار سر است. در بیرون و درون ایران لش سنگین و بادکرده ی چهل ساله اش را پهن کرده و در ست این پنجه افکنی هاست که یکی از بزرگترین نقاط ضعف رژیم شده است. خوب که از آغاز انقلاب تا بحال نگاه کنید ، خمینی و دارودسته ی انحصارگر امروز خامنه ای قدم به قدم حتی نزدیک ترین افراد و جریانات سیاسی به خود را از میان برداشت از رئیس جمهور ونخست وزیر خود گرفته تا جوانان مجاهد که روزی فرزندان خود می نامیدند . از حصر گرفته تا خفه کردن رفسنجانی در استخر. از کشتار کمونیستها و آزادی خواهان و زحمتکشان حرفی نمی زنیم که از همان روز اول شروع شد و همچنان امروز شدیدتر از گذشته ادامه دارد. بر اساس این مسیر تاریخی و بر اساس صف آرائی آشکار مبارزاتی در صحنه سیاسی مبارزات کلیه حرکت های مبارزاتی را باید در چار چوب ادامه این جدال تاریخی طبقاتی مورد بررسی قرار داد . ماتریالیست های کمونیست دارای درک تاریخی هستند ، پدیده های اجتماعی را بریده بریده و جدا از هم قرار نمی دهند، از رخدادهای مشخص اجتماعی شروع می کنند و در بررسی خود ریشه های طبقاتی ، سیاسی و اندیشه ای آنها جستجو می کنند. این مسیری است که کمونیستهای موفق جهان طی کرده اند . آنها طبق شرایط مشخص جامعه خود توانسته اند خط درست بین دوست و دشمن پرولتاریا را ترسیم نمایند ، توانسته اند هر زمان برای توده های روشن کنند دوستانشان کیا هستند و دشمنانشان کی ها می باشند.

در این چند ماه مبارزه ی میان پیشروان طبقه

کارگر ایران که در سمت مردم ایستاده اند با سرمایه داران و حاکمان حامی آنها هر چه حادث تر شده و این واقعیت تاریخی را برجسته کرده است. کارگران اتوبوس رانی و هفت تپه درست است از موضوع مشخصی دفاع کردند و می کنند ولی آنها عملن بخاطر وضع بحرانی جامعه از بدیل سیاسی مستقل کارگری دفاع می کنند و رو به توده های مردم و اکثریت عظیم ایرانی دارند. آنها در عین حال با امپریالیسم و دیگر مرتجعان منطقه ای و همکاران داخلی شان ، خط کشی دارند و در برابر آلتر ناتو های برون مرزی پرچم مبارزه را برافراشته اند. تنها در چارچوب چنین درک و تحلیلی است که می شود توضیح داد چرا پاره ای از احزاب و جریانات که ظاهرن خود را کارگری و چپ می دانند دچار تزلزل می شوند و در مبارزه اخیر در برابر تشکیلات اتوبوس رانی ایستادند.

درست از این منظر است که باید کلیه مبارزات جاری را چون ماهی سیاه کوچولو به مسیر دریا راهنمایی کرد و به دریا رساند و این کار، کار حزب کمونیست است ، حزبی که با توجه به شرایط و گذشته جنبش کمونیستی ، اصولی و منطقی از یکی شدن کمونیستها و در پیوند با همین جنبش مستقل کارگری بوجود آید. هر قدم پیروزمندانه ی کارگران به پیش بر اساس مشی و بدیل سیاسی عمومی چپ و سوسیالیستی ضرورت چنین یکی شدن برای تدارک آخرین نبرد های طبقاتی و انقلابی را بیشتر می کند.

دیلیم



بدون تئوری انقلابی...
بقیه از صفحه اول

پلخانوفها و تروتسکی ها و حزب منشویکی نه تنها با تکامل تئوری علم کمونیسم بلکه علیه شروع ساختمان سوسیالیسم در کشور شوراهای بازم به کمک خرده بورژوازی توطئه ی تاریخی به نفوذ در درون حزب کمونیست و منتظر اخلال و حتا تا سطح همکاری به فاشیسم هیتلری در براندازی این کشور به پا خاستند تا نهایتا در سطح خروشچف و امثالهم با کودتا (۱۹۵۶) در سطح دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی قدرت دولتی رویزیونیستهای مدرن را به دست گرفته و تدریجا با رشد دادن مناسبات بورژوائی دست آوردهای سوسیالیسم را از بین بردند.

درچین پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۴۹ دو وظیفه ی اساسی حل مسئله ارضی و پایان دادن به سلطه ی بقایای مالکان ارضی از یک سو و گسترش قدرت کارگری در خلق ید بقایای سرمایه داری و در عین حال تکامل تئوری کمونیسم علمی توسط مائودر حل مسائل مربوط به پیش بردن انقلاب دموکراتیک نو و چگونگی گذار به سوسیالیسم مبارزه شدیدی بین رویزیونیستهای در سطح رهبری تحت عنوان خلق ید مالکان شدیدا در درون حزب کمونیست آغاز شد و کلا در ادامه این مبارزه و در سطح پیشبرد انقلاب فرهنگی و تحکیم مناسبات تولیدی دیکتاتوری پرولتاریا و علیه رویزیونیسم مدرن دولتی تا سال ۱۹۷۶ این مبارزه ادامه یافت و در این مبارزه نیز خرده بورژوازی به کمک رهبران نفوذ یافته در سطح رهبری حزب کمونیست کمونیست چین - نظیر- لیو شائو چی تن سیائو پین - وغیره، راه سرمایه داری را برای رشد دادن این مناسبات به کار بستند.

بدین ترتیب با یک ارزیابی کلی در کلیه ی این دوران عصر تکامل تئوری کمونیسم علمی با مارکس و انگلس، لنین و مائو در شرایطی که احزاب کمونیست تحت هدایت کمونیسم علمی مبارزه را پیش می بردند، پیروزی احزاب کمونیست تا به آن حدی پیش رفت که انقلابات اکتبر عظیمی به پیروزی رسیدند. اما در دورانی که خطر مبارزه علیه نیروی خرده بورژوازی به درستی به خصوص در درون احزاب کمونیست و تخریب در ساختمان سوسیالیسم تشخیص داده نشد و این مبارزه طبقاتی نادیده گرفته شد، ضربه مهلکی از این نادیده گرفتن مبارزه چه در درون جنبش کارگری و کمونیستی نظری و عملی و چه در درون مبارزه بیرونی وارد آمد که امروز بزرگترین تشتت فکری و تزلزلی به وجود آورده که محکم به دست گرفتن آموزشهای کمونیسم علمی و افشای نظرات بورژوائی و خرده بورژوائی و وحدت کمونیستی و افشای فرقه گرانی و نفی وحدت کمونیستها را ایجاد کرده که ایجاد حزب کمونیست متحد و یک پارچه در هر کشور و وحدت کمونیستها در سطح جهانی تنها راهی است که این سردرگمی را باید پایان داد. شرط وفاداری به انقلابات کارگری، احترام به این پراتیکها و عمل کردن به آنهاست و نه تئریک گوئی و عمل نکردن به آموزشهای انقلابی پیروز جهانی و تفرقه اندازی به وحدت مبارزاتی کارگری و توده های جهانی در زمانی که امروز استعمارگری و ستمگری



بورژوائی بربریت را هرچه بیشتر در جهان رایج ساخته ست.

ک. ابراهیم -

۲۱ آبان ۱۳۹۷

(۱۲ نوامبر ۲۰۱۸)



زنده و پیروز باد... بقیه از صفحه اول

در تمامی کشورها به جنگ رقابتی شدید بین این انحصارات خدمت کنند و به این اعتبار بر این موسسات بزرگ تولیدی دولت امپریالیستی و انحصارات سرمایه داران هیچ گشایشی برای کارگران ایجاد نکرده اند و سرکوب و تجاوز به حقوق کارگران ادامه دارد - همانطور که در کارخانه های دولتی نیز شاهد آن هستید. مگر نه این است که هم اکنون در شرایط اعتصاب کارگران هفت تپه در شوش، شرکت زنان مبارز در این اعتصابات، همدردی کارگران شرکت فولاد اهواز، مغازه داران شوش، دانشجویان برخی دانشگاهها و غیره نشان بارزی است از تجاوزات رژیم به حقوق کلیه ی انسانهای کارگر و زحمت کش که با اعلام همبستگی خود با این مبارزات کارگران نفرت خود را از دولت حاکم و غارتگران سرمایه دار قاطعانه اعلام می کنند.

اعلام این همبستگی از جانب کارگران خوزستان به رفقای کارگر هفت تپه را کلیه ی کارگران ایران باید هرچه بیشتر تبریک بگویند وقتی که می بینیم رژیم ددمنش حاکم برای جلوگیری از تداوم مبارزات کارگران هفت تپه، علاوه بر نیروهای سرکوبگر در منطقه نیشکرکارخانه ی هفت تپه از اهواز نیز اتوبوسهائی را از نیروهای کمکی سرکوبگر روانه منطقه کرده است. در این میان با دستگیر کردن کارگران نیز قصد سرکوب و جلوگیری از اوج گیری این مبارزات داشته امری که نشان دهنده ی آن است کارگران با آماده شدن با روحیه رزمنده و پایداری در ادامه مبارزه خواسته های خود را به دست خواهند آورد.

حزب رنجبران ایران از مبارزات به حق کارگران سراسر ایران و مشخصا نیشکرسندیکای هفت تپه، قاطعانه دفاع کرده، و خواستار آزادی بدون قید و شرط کارگران زندانی این سندیکا می باشد و از تمامی کارگران ایران می خواهد در دفاع از این کارگران رزمنده و نیز در ایجاد

فدراسیون ها و شوراهای کارگری ایران و در مبارزه با این رژیم مستبد ضد کارگر و زحمتکش نیروی عظیم خود را متحد و متشکل سازند

پیروز باد جنبش به حق کارگران نیشکر هفت تپه

سرنگون باد بر رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران

کارگران سراسر ایران متحد و متشکل شوید

از مبارزات کارگران و زحمتکشان حمایت کنید

حزب رنجبران ایران

۱۵ نوامبر ۲۰۱۸



با قدردانی از کمکهای مالی
رفقا و دوستان به حزب
ذکر این نکته را ضروری
می دانیم که تکیه ی
حزب به اعضاء وتوده
ها در پیشبرد مبارزه
طبقاتی، روشی انقلابی و
پرولتاریائی است در حفظ
استقلال سازمانی و جدا
نشدن از طبقه کارگر
و توده ها

به دفاع از مبارزات... بقیه از صفحه اول

کارگران نیشکر هفت تپه در همبستگی و حمایت توده ای گسترش یافته است. رژیم در عین فرستادن یگان های ضد شورش برای سرکوب اعتراضات ولی با دست پاچگی اعلام کرد که یکی از اعضای هیئت مدیره فراری است و هیئت دولت در آخرین جلسه خود موضوع خواست های کارگران هفت تپه و فولاد اهواز را مورد بررسی قرار داده و تصمیم به حل مشکلات آنها گرفته است. تا زمانی که این مطلب نوشته شده است اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد اهواز ادامه داشته و آزادی کارگران بازداشتی از جمله اسماعیل بخشی به یکی از فوریت های کارگران تبدیل شده است. فریبکاری جدید دولت با وعده پرداخت حقوق معوقه و رسیدگی به درخواست های دیگر

و همزمان فرستادن نیروهای سرکوبگر به منطقه، همچون وعده دولت در مذاکره با رانندگان کامیون اعتصابی نتوانسته توهمی در کارگران ایجاد کرده و کارگران خواهان انجام عملی خواست هایشان از جانب دولت هستند.

در وضعیت پیش آمده برای کارگران دولت نقش درجه اول و مستقیمی را ایفاء کرده است. دولت با فروش این واحد در سال ۱۳۹۴ به بخش خصوصی که با پولشویی و حیف و میل های زیادی همراه بود. بی ثباتی فراگیری را در بخش های مختلف این واحد صنعتی - کشاورزی که قبلا هم ناشی از کهنگی ابزار آلات رنج می برد، بوجود آورد. از همان زمان هم عقب افتادگی حقوق کارگران و کارمندان به امری متداول تبدیل شد. در اعتراض های سال های گذشته دولت با وعده و وعید و یا با سردواندن کارگران درخواست های محقانه کارگران را بی جواب گذاشت. اخراج، عدم پرداخت حقوق ها و مزایا در موعد مقرر و... به سیاست های رسمی ولی نا نوشته دولت در برابر اعتراضات اجتماعی تبدیل شده است. دولت ضد کارگر اسلامی نه تنها در عرصه اقتصادی بلکه در عرصه سیاسی و امنیتی هم دیگر قادر به ایستادگی در برابر اعتراضات کارگران و معلمان نیست. این موقعیت در طی ده سال گذشته با فداکاری، زندان و شکنجه بسیاری از کارگران بدست آمده است. تحصن کارگران فولاد اهواز در میدان مرکزی شوش و حمایت توده ای از آن یک قدم بزرگ مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی به جلو است. رژیم اسلامی را از سرنگونی راه خلاصی نیست اما چگونگی این سرنگونی و نیروهای سرنگون کننده این رژیم ارتجاعی با تجربیاتی که مردم از اوضاع کنونی و چند دهه گذشته ایران و جهان کسب کرده اند بر دو اصل تکیه به نیروی خود و دفاع از وسیع ترین آزادی های اجتماعی برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه آنهم بصورت متشکل گذاشته اند. در عین حال اعتراضات همزمان و مشترک کارگران هفت تپه و فولاد اهواز نشان داد که قدرت طبقه کارگر در همبستگی بخش های مختلف آن توان مقابله با بورژوازی و عناصر و عوامل آنرا صد چندان خواهد کرد.

دولت جمهوری اسلامی بر طبق معمول هر مشکلی را یا به خارج و یا ضد انقلاب ربط می دهد. و دست تا مرفق به خون خود می پوشاند. در اعتراضات اجتماعی چند سال گذشته هم این روش و سیاست



رژیم جمهوری اسلامی ادامه داشته است. آنها تحریم های اقتصادی را مبنای مشکلات کنونی قرار می دهند و از فساد و رانت خواری و دزدی های میلیاردی خود و آقازاده ها چیزی نمی گوید. آنها شرکت کشت و صنعت هفت تپه را به چندین برابر زیر قیمت فروختند و پولش هم پرداخت نشد. و به قول خودشان از بیت المال (بخوان سفره مردم مزدبگیر و کارگر) پرداخت شد. دست درازی مدیریت جدید تا آنجا پیش رفت که دست به فروش زمین های زیر کشت بزنند. نتیجه این زد و بند و رانت خواری در هفت تپه وضعیت نابسامانی است که مدیریت کارخانه بوجود آورده است. کارگران راه حل های مشخصی هم برای برون رفت از این اوضاع دارند که با مخالفت دولت مواجهه است. از آنجمله کنترل کارگری و شورایی بر آن و یا داشتن نماینده واقعی شان در مدیریت. در صورتیکه کارگران هفت تپه بتوانند کنترل این واحد صنعتی را بدست بگیرند روشن است که بسیاری از مشکلات اداری و مالی آنرا بسرعت حل خواهند کرد. اما مخالفت دولت ناشی از دو مسئله است یکم اینکه کارگران در عمل نشان خواهند داد که توانایی بیشتری در اداره جامعه کارگری و کل جامعه خواهند داشت دوم این می تواند سنتی برای واحد های کارگری دیگر بوجود بیاورد. روشن است که خواست دولت نه راه اندازی تولید و به قول خودشان اقتصاد مقاومتی بلکه ساکت کردن کارگران و رانت خواری از قبل آنان است.

وزارت تعاون و رفاه اجتماعی هم با همدلی های ظاهری فریبانه با کارگران در عمل به پشتیبانی از بخش خصوصی و مدیریت عمل کرده است. دستگیری های جدید هم این تجربه را باز هم در مبارزات کارگری پیش روی مبارزان و فعالین کارگری می گذارد که از دل این مبارزات بایستی نیروهای جوانی را در جهت و سمت و سوی ادامه مبارزه تربیت کرد. نیروهای جوان در مبارزات کنونی نه تنها ادامه مبارزات را تضمین خواهد کرد بلکه می تواند تجربیات مثبت و منفی گذشته را در جهت پیروزی های آینده انتقال بدهد و مانع گسست انتقال تجربیات به نسل های آینده ناشی از سرکوب و فاصله نسل ها شود.

شعارهایی که در طی ۱۴ روز گذشته اعتراضات سر داده شد. نشان می دهد که اکثریت کارگران از شناخت خوبی نسبت به دشمن و نیروی خود دارند. دولت می داند که با سرکوب نمیتواند این اعتراضات را خاموش کند این بار سرکوب می تواند

به متشکل شدن بیشتر کارگران و کشاندن خانواده های آنان و توده های وسیع تری به خیابان ها بیانجامد که این زنگ خطر جدی برای حاکمیت فاسد کنونی در ایران است. رژیم اسلامی باید و به فوریت حقوق های عقب مانده کارگران را پرداخت کند. آزادی بدون قید و شرط و فوری دستگیرشدگان و نیز بایستی به بقیه خواست های معترضین جامعه عمل ببویشد. ما از همه انسان های آزادیخواه و عدالت طلب می خواهیم که از اعتراضات کارگران هفت تپه و کارگران فولاد اهواز و هپکوی اراک بصورت متحد و متشکل حمایت کنند.

پیروز باد مبارزات به حق کارگران علیه رژیم سرمایه داری اسلامی
کارگر، معلم، دانشجو اتحاد اتحاد

ع.ع



جنبش اعتراضی معلمان

جنبش اعتراضی معلمان در ایران جنبش جدیدی نیست این اعتراضات را از زمان رژیم گذشته تا مقطع انقلاب، و تاسیس سازمان ها و نهادهای صنفی معلمان و سپس پاکسازی های گسترده توسط رژیم تازه به قدرت رسیدن اسلامی و در ادامه آن بصورت متناوب دستگیری فعالین این جنبش تا مقطع کنونی ادامه داشته است در ماه گذشته باز هم ما شاهد گسترش و رشد بیشتر اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات در شهرهای مختلف ایران بودیم. جنبش معلمان بدون ترس از اراعات و بگیر و ببند های رژیم همچنان به اعتصاب و تحصن ادامه می دهند. مدارس در شهرهای مختلف ایران شاهد توقف کلاس های درس و پشتیبانی دانش آموزان و اولیای آنها در آخرین اعتصاب آنها بود. جنبشی که در سطح محدود ولی با درخواست های مشخص در چند سال گذشته آغاز شد و قدم به قدم در زیر سرکوب فعالینش خود را به اقصا نقاط کشور جدا از مناطق ملیتی و مذهبی و غیره گسترش و درعین حال نشان داد که درخواست های محقانه سریعاً می تواند مرزهای ملی و مذهبی و جدائی های اجتماعی را بین یک نیروی طبقاتی از بین برده و با در هم شکستن این مرزها شکل روشن طبقاتی به آن بدهد. معلمان به مثابه یک شغل پر از استرس و مسئولیت اجتماعی نسبت به نسل آینده، شغلی که وظیفه اش

تربیت علمی نسل آینده برای بدست گیری و اداره آینده جامعه است بایستی از نه تنها امنیت شغلی بلکه تامین نسبتاً بالای اجتماعی برخوردار باشد که بتواند وظایف محوله را بخوبی انجام بدهد. معلمی که حقوق ماهانه اش حتی ۱۵ روز خرج خانواده اش را تامین نمی کند و مجبور است دو شیفته کار کند. چگونه می تواند با تمرکز کامل به امور دانش آموزان رسیدگی دقیق داشته باشد. معلمی که بطور دائم زیر فشار دستگاههای امنیتی برای کوچکترین حرف زدن، تماس با دیگر معلمان است چگونه می تواند به وضعیت تحصیلی دانش آموزانش رسیدگی کند. معلمی که مشغله فکری اش تامین حداقل زندگی خانواده گی آنها با مشقت و سنگینی بار بحران است قادر به اداره کلاس های ۳۰ نفره نخواهد بود. با تمام این احوال معلمان متعهد و با شرافت ما در سرتاسر کشور در شرایطی که صندوق فرهنگیان کشور خالی است، از جسم و جان خود مایه می گذارند که بتواند سیستم آموزش و پرورش بسته ایران را با فداکاری خود سامانی بدهند. درخواست های معلمان برای تامین یک زندگی ساده و حداقلی فراتر نمی رود. آنها می خواهند که حقوق ها و مزایای قانونی شان پرداخت و به موقع پرداخت شود. خصوصی سازی مدارس و کالایی شدن آموزش متوقف شود و در ساختارهای نظام آموزشی اصلاحات جدی انجام بگیرد و حقوق سنواتی و پایه های حقوق بر مبنای درستی گذاشته شود و....

کانون صنفی معلمان، در سال ۱۳۹۳ در تحصنی جلوی مجلس شورای اسلامی در ۸ بند اولیه ترین خواست های معلمان را به این ترتیب آورده است شرکت در برنامه ریزی آموزشی، بازبینی در ردیف بودجه، افزایش ۳۰ درصدی حقوق، پرداخت حق ایاب و ذهاب و دیگر مزایا حقوقی، استاندارد سازی محیط آموزشی، آزادی بدون قید و شرط کسانی مانند رسول بدای و محمود باقری از فعالان کانون صنفی معلمان و بالاخره جایگاه درست بازنشستگان آموزش و پرورش در سیستم حقوقی بازنشستگان. اما با گذشت مدتی معلوم شد که رژیم جمهوری اسلامی قصد ندارد به درخواست های معلمان وقعی بگذارد و با دستگیری های فعالین مانند محمود بهشتی، اسماعیل عیدی و رسول بدای، محمد حبیبی و.... و ایجاد محیط اختناق در محیط های آموزشی به معلمان کشور این پیام را فرستاد که حق گرفتاری است و نه دادنی.

معلمان کشور هم نه تنها تسلیم ارباب

به دفاع از کارگران اعتصابی در ایران برخیزیم



علم بدون عمل، درخت بدون ثمر است

این تجربه تاریخی را شاعران ما قرن‌ها پیش در ایران سروده اند که درکی علمی جهانی است. با توجه به این که آموزش کمونیسم علمی به مفهوم قبول بینش ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی در به عمل درآوردن مبارزات طبقه کارگری باشد، ضرورت محکم به دست گرفتن راه حل‌های به اثبات رسیده ی این تئوری علمی و به کار بردن آن در عمل است که کیفیت کمونیست بودن ما را نشان می دهد. از جمله ایجاد حزب سیاسی پیشرو طبقه کارگر یکی از اولین رهنمودهای این اصل طبقه کارگری باشد. عدم به کار گیری چنین تعهد علمی پرولتاریائی به صورتی که، عمل نکردن تعدادی از تشکلهای نیروهای چپ در ایران در قالب پلورالیسم سیاسی و رویزیونیسم را آشکار می سازند معنائی جز عدول از این آموزش نمی باشد.

کمونیسم علمی تجربه پیروز ساختن حزب بلشویک روسیه را به مثابه آفتاب آمد، دلیل آفتاب به طور درخشانی صحت خود را نشان داد که توسط لنین رهبر کبیر پرولتاریا در کشور سرکوبگر تزاری مرتجع نمونه ای شد برای به اجرا درآوردن آن و تلفیق این آموزش با شرایط مشخص هر کشور از طریق: وحدت روی اصول کمونیسم علمی و سپس نکات اساسی برنامه و تاکتیک آن کشورگام اول در ایجاد حزب طبقه کارگر روسیه و در گامهای بعدی تعمیق دیگر نکات مربوط به استراتژی و تاکتیک انقلاب با تکیه به روش پرولتاری با اجرای مرکزیت - دموکراتیک در تصمیم گیریها در درون حزب در پیشبرد وظایف انقلابی پرولتاریا. این روش کمونیستی زمینه ی مناسبی را در تقویت و تحکیم پیشروی حزب بلشویک و گسترش پایه توده ای در میان طبقه کارگر و توده های زحمت کش بوجود آورد. این پراتیک پیروز ایجاد حزب طبقه کارگر، نمونه ی علمی مثبتی در دیگر کشورها - از جمله در ایران و در چین - جهت ایجاد، تقویت وحدت نظری و عملی حزب گردید. اما پس از تاسیس حزب کمونیست، سرکوب شدید در ایران به علت اتخاذ برنامه و تاکتیک نادرست، با گذشت نزدیک به ۸۰ سال پس از آن سرکوب، مدعیان کمونیست هنوز در خم یک کوچه در سردرگمی ایجاد حزب قرار دارند:

و سرکوب نشدند و با تکیه به نیروی خود مبارزات خود را گسترش داده و با اعتصاب های متعدد که آخرین آن در ۲۲ و ۲۳ مهرماه ۱۳۹۷ بود، رژیم را مجبور خواهد کرد به خواست های آنان گردن بگذارد شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با توجه به شرایط جدید فرهنگیان را به یک اعتصاب بخاطر اعتراض به مسئله گرانی و تورم فراخواند داد که مورد استقبال وسیعی قرار گرفت

دستگیری های اعتراضات اخیر معلمان در سرتاسر کشور در عین اینکه به وضعیت اسفبار گرانی و تورم افسارگسیخته کنونی و مبارزه برای دستمزدها و از دست رفتن تامین اجتماعی ارتباط دارد ولی این اعتراض صنفی بعلت سیاست های رژیم اسلامی از یک سو و رقابت های امپریالیستی و ارتجاع منطقه در خاورمیانه اساسا علیه کارگران و زحمتکشان و مزدبگیران است. بحران کنونی سفره مزدبگیران جامعه را خالی تر و جیب حاکمان رانت خوار را پرتر کرده است.

همان طور که قبلا هم در همین نشریه نوشتیم امپریالیسم آمریکا با تحریم ها و فشار اقتصادی و رشد فقر و گرسنگی انتظار دارد که شورش های گرسنگان بتواند اوضاع داخلی را به نحوی جلو ببرد که یا جمهوری اسلامی را وادار به تمکین به خواسته هایش بکند و یا شورش و هرج و مرج امکان دخالت و تغییر رژیم با آلترنایتو خود را امکان پذیر کند. نقشه ای که در برخی کشورهای خاورمیانه تاحدی با موفقیت جلو رفته است. اما جنبش های اخیر در ایران و اعتراضات اخیر نشان از آگاهی بالای طبقاتی کارگران و زحمتکشان جامعه دارد که در عین اینکه مبارزه خود را علیه رژیم دزد و فاسد اسلامی جلو می برند دست رد به سینه تمامی امپریالیست ها و هواداران بی جیره و مواجب و یا مزدور زده اند. اعتراضات معلمان گام هایی را در پیوند با مبارزات کارگری و همبستگی های متقابل پیموده است که جای بسی خوشحالی دارد. این پیوند نه تنها به پر باری و قدرت گیری بیشتر این اعتراضات علیه رژیم کمک می کند، بلکه سد قدرتمندی علیه ترامپیست های وطنی و اصلاح طلبان بی آبرو و فربیکار داخلی و خارجی بوجود خواهد آورد.

از خواست های محقانه معلمان کشور حمایت کنیم
کارگر، معلم اتحاد اتحاد
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

ع.غ



در ایران، با وجودی که بعد از به کارگیری درست اول کمونیسم علمی در ۱۲۹۹ با ایجاد حزب کمونیست ایران و تشکلهای سندیکائی کارگری توانستند به ایجاد جمهوری سرخ در گیلان همراه با نیروهای بورژوائی - خرده بورژوائی میرزا کوچک خان در ابتدا بپردازند که در ادامه کار به دلیل عدم به کارگیری کمونیسم علمی در تحلیل مشخص از شرایط مشخص در ارزیابی درست توازن نیرو بین قوای انقلاب و ضد انقلاب، به علت چپ روی برخی از فرماندهان نظامی در سازماندهی حمله نظامی به سوی تهران با شکست سختی از نیروهای نظامی مرتجع حاکم رو به رو شده و با رشد اختلاف با نیروهای غیرکمونیست جنبش در گیلان با تفرقه مواجه شد و سرکوب حزب کمونیست ایران با روی کار آمدن رضا خان قزاق آغاز گشت. امری که نشان داد بدون پیش بردن سیاست درست پرولتاری، پیروزی سهل و آسان حاصل نمی شود. درحالی که حزب کمونیست چین در مبارزه درون حزبی با مبارزه اصولی با دو خط اپورتونیستی چپ و راست در درون حزب خط درست غالب شده و تا سال ۱۹۷۶ آن حزب تحت رهبری اندیشه مائو با پیش روی همراه گردید. اما پس از درگذشت مائو، با غلبه خط اپورتونیستی - رویزیونیستی سه جهانی تن سیائو پین حرکت سرمایه داری شدن کشور بزرگ چین آغاز شد.

اما در ایران، پس از سرکوب حزب کمونیست ایران توسط رژیم سلطنتی رضا شاه پهلوی و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ در جریان جنگ جهانی دوم نیروهای متفقین وضعف رژیم سلطنتی، شرایط مساعدی برای ایجاد حزب کمونیست بوجود آمد. ولی بقایای حزب کمونیست با نیروهائی که ماهیتی سوسیال دموکراتیک و رفرمیستی داشتند حزبی به نام حزب توده ایران را تاسیس نمودند. مبارزه ایدئولوژیک در درون این حزب در دهه ی ۱۳۲۰ در رابطه با تغییر ماهیت پرولتاری آن شروع شد ولی کیفیت کادرها آنچنان نبود که این مبارزه را به سوی رهبری و خط مشی کمونیستی سوق دهند. رهبران حزب در ادامه کار سیاستهای اپورتونیستی با شروع بعد از پایان جنگ امپریالیستی و بیرون رفتن متفقین از ایران، علیرغم سازماندهی وسیع حزب توده و نهایتا با غلبه رویزیونیسم مدرن و سرکوب شدید بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سردرگمی و بدبینی سختی نسبت به ایجاد حزب کمونیست و جنبش کارگری در ایران بدون درک عمیق از عامل اصلی، در کنار گذاشته



شدن حزب سازی، در به کار گیری اصول کمونیسم علمی و نه بدبینی از حزب کمونیستی بود

در دهه ی ۱۳۴۰، خانه تکانی در حزب رویزیونیست توده در هماهنگی با جنبش کمونیستی جهان برای ایجاد حزب کمونیست در ایران بوجود آمد که انشعاب از حزب توده در خارج از کشور به وقوع پیوست در مبارزه علیه رویزیونیسم مدرن در طرد دنباله روی رهبری حزب توده از رهبری حزب رویزیونیست شوروی. ولی به دلیل درک نازل از محکم به دست گرفتن اصول کمونیستی، اصول فرقه گرایی در میان ضد رویزیونیستها شروع شد. در این میان سپس با بروز جنبش جنگل و سپس جنبش فدائی به جای مبارزه با سازماندهی در تشکیل حزب کمونیست، شعار «مبارزه مسلحانه هم استراتژی؟ هم تاکتیک» خط جدا از سازماندهی کارگران و توده ها، خط ماجراجویی را انتخاب کردند و علیرغم فداکاریها بدانجا رسیدند که ایجاد حزب کمونیست را محول به بعد از پیروزی انقلاب نمودند. اما بخش بزرگی از این حرکت، متمایل به سطح رویزیونیسم گشته و حتا بخش معروف به فدائیان اکثریت با بقایای رهبران حزب توده متحد گشتند و بقایای دیگر به دو بخش مدافعان «مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک» تکه تکه شدند. این بخش از فدائیها در ایجاد حزب کمونیست گامی جدی به جلونگذاشته و علیرغم تکه تکه شدن غرق در خود مرکزبینی در سطح گروه های خودی گشتند و فرقه دیگری نیز از درون این جنبش به نام راه کارگر بوجود آمد. علاوه برجماعت وسیع فدائی سازمانهای مختلف دیگری که قبل و بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بوجود آمده بودند تنها خود را کمونیست می دانستند، سرکوب شدند. اما کمونیسم علمی را قاطعانه در ایجاد حزب با خصلت خود مرکز بینی، باخود حمل نکرده و توسط رژیمهای سرکوبگر سلطنتی و جمهوری اسلامی از پا درآمدند.

در اواخر دهه ی ۱۳۵۰ جنبش شبه تروتسکیستی حیلۀ گرانه ای با ظاهر کارگر- کارگری و نفی تجارب گذشته جنبش کمونیستی جهانی، ولی خودمرکزبین بوجودآمد و چون پایه ای نداشتند با شکار سازمان انقلابی کردستان ایران که در مبارزه مسلحانه ای در کردستان علیه دو نظام سلطنتی و اسلامی - کومه له -، پرداخته و از اعتبار خاصی در میان توده ها برخوردار بودند با انگ پوپولیستی بودن

و تحقیر آن شروع به از نفس انداختن آن مبارزه ی مسلحانه و تحت عنوان تمرکز کار در میان کارگران در شهرها که در سطح حرف باقی ماند به ایجاد حزب با خط شبه تروتسکیستی باهم دعوت نمودند. درحالی که این دو مبارزه در میان کارگران و پیش بردن مبارزه مسلحانه ضد یک دیگر نبودند. بدین منظور ایجاد حزب کمونیست را با کومه له مطرح ساخته و برنامه ای هم تهیه نمودند. علیرغم پیشنهاد حزب رنجبران ایران در دهه بیژوه کردستان قبل از تشکیل حزب آنان، که پیشنهاد برگزاری جلسه مشترک با نیروهای مختلف چپ بحث برسر وحدت با دیگر نیروها قبل از ایجاد حزب واحد کمونیست ایران بود، جواب مثبت ندادند و پیوستن دیگر تشکلهای را به برنامه آنها تنها راه حل ایجاد حزب دانستند. اما، آنها نیز پس از چند سال پس از ایجاد حزب کمونیست بدون پایه کارگری، کاریکاتور غیر کارگری طبق اقرار خودشان منفجر شدند. امری که نشان داد این حزب نیز از هیچ استحکام ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی کمونیستی برخوردار نبوده و تشکیل چندحزب کمونیست و نیروهای دیگر سوسیالیست از این جریان نشان دادند که نسبت به آموزشهای کمونیسم علمی بیگانه هستند و مصمم در پیاده کردن متکی به فرقه گرایی به فرقه گرایی آلوده می باشند.

تلاشهای بعدی گروههای مختلف باقی مانده از حرکتهای گذشته مدعی کمونیست بودن از بقایای تشکلهای چپ در نزدیک به ۲۰ سال اخیر، علیرغم تلاش حزب رنجبران ایران با شرکت درگرد هم آمدن این تشکلهای به خاطر وحدت براساس اصول کمونیسم علمی، دست برداشتن از فرقه گرایی و طبق رهنمود لنین بعد از مذاکره روی وحدت روی اصول کمونیسم علمی و وحدت روی نکات اساسی برنامه و تاکتیک وحدت ایجاد حزب واحد کمونیست را در پیوند با و شرکت کارگران کمونیست برپا داریم در پیوند فشرده با جنبش کمونیستی و کارگری ایران، تشکلهای تحت عناوین «اتحاد نیروهای چپ و کمونیست» و کلا اتحادی سیاسی و نه ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی - سبک کاری متکی برمرکزیت - دموکراتیک با بروز اختلاف نظری از هم پاشیده شدند. امری که نشان داد تا زمانی که فرقه گرایی مد روز باشد و این نیروها در حفظ خود پافشاری کنند، در مقابل ایجاد حزب کمونیست خواهند ایستاد که نشانه ی اعتقاد عمیق به چاهی است که توسط بورژوازی و خرده بورژوازی کنده و رویش را پوشانده، و تشکلهای چپ را به

سرگردانی در افتادن به این چاهها دعوت می کنند تا یکی بعد از دیگری از پا درآیند. مبارزه ایدئولوژیک حزب رنجبران ایران در دعوت به مبارزه ایدئولوژیک درون این گردهم آئیها در وحدت اثربخش نشد و به دلیل اختلافات فرقه ای این تجمعها از هم جدا شدند.

درحالی که فقط حرکت کارگران کمونیست است که می تواند با صلابت این فرقه ها و آشفتگی آنها را عریان کرده و دست کمونیستهای دیگر ایران را در عضویت یابی به این حرکت راستین کمونیستی در ایجاد حزب کمونیست واحد راه نما گردند. امری که این حرکت درخشان از طرف کارگران کمونیست در دهه ی اخیر شروع شده و دوران جدید پر افتخاری آغاز گشته است. این حرکت اصولی کارگران کمونیست از داخل کشور گروه گرایان خارج از کشور که در تمام این دهها سال در تجمعهای فوق شرکت داشتند، برای تدوام به فرقه گرایی دوباره در حد چند تشکل محدود دوباره با اعلامیه و پلاتفرم دهی حتا بدون در نظر گرفتن مبارزه آشتی ناپذیر ایدئولوژیک سخت با خیابانی استحکام حزبی چنین جمعی با وفاداری به فرقه گرایی بار دیگر از هم جدا خواهند شد. اینها اگر راست می گویند که کمونیستند چرا به دستور کمونیسم علمی پاسخ روشن وفاداری و عمل کردن به آن نمی دهند؟

بدین ترتیب پراتیک این تجارب سخت فرقه گرایی چندین بار ثابت نموده است که حرکت روی تجارب غیر کمونیستی نتیجه ای جز افتادن از چاله ای به چاه دیگری ندارد و خوشبختانه با حضور کارگران کمونیست و ارائه ی نوشته عمیقی از جانب رفیق جانباخته شاهرخ زمانی این آلترناتیو را در برابر کمونیستها قرار داد که دیگر عرصه ی گروهی گری - بقایای از فدائی، بقایای از حکمتیستی، بقایای از راه کارگری - ربطی به مبارزه ی کارگران ندارد و ایجاد حزب کارگری از فعالیت در حیطه ی کارگران می گذرد و از این طریق فرقه گرایان تنها با ادامه ی این طرز فعالیت خرده بورژوائی با مشکل روبه رو نموده است..

بنابراین براساس پیشنهاد تئوری کمونیسم علمی ضرورت دارد کسانی یا تشکلهایی که معتقد به ایجاد حزب هستند قبل از هر چیزی در یک جا باهم مشورت کنند و ببینند تا چه حدی از نظر اصول با هم وحدت دارند و درنکات اساسی نیز چه دید مشترکی دارند آگاه است که زمینه وحدت برنامه ای براساس مرکزیت دموکراتیک رای

آزادی بدون قید و شرط و فوری کارگران زندانی



گنجری معلوم شده و می توانند سر وحدت با کارگران را شروع بکنند در ایجاد حزب کمونیستی که، نماینده واقعی طبقه کارگر باشد.

ک.ابراهیم

۸ آبان ۱۳۹۷

(۳۰ اکتبر ۲۰۱۸)



تصمیم ما

تصمیم ما بر اینست

کز زندگانی بد

بیشتر از مرگ بترسیم.

از برتولت برشت

در جریان مبارزه طبقاتی هنگامی تضاد ها حاد می شوند و در عصر ما دو طبقه متخاصم پس از تجربه طولانی مبارزه در کلیه زمینه ها باهم جنگی میان مرگ و زندگی در جا معه برپا می شود . امروز پس از چهل سال حکومت روحانیت بر جامعه ایران اوضاع بسوی جدال نهایی دارد تکامل می یابد .

زندگی در ایران بسیار بد شده است . بیش از پنجاه میلیون از مردم در زیر خط فقر زیست می کنند . قیام عمومی و اعتصاب سراسری برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به گفتمان مردم از کنج خانه به خیابان آورده شده است و اکثر احزاب و سازمان های مخالف در این زمینه مشترک القول شده اند . براندازان در حال یارگیری و تدارک برای گرفتن قدرت سیاسی هستند و هر کدام بدیل های خود را عرضه کرده اند . در چنین اوضاعی در این یکسال گذشته بدیل کارگری و سوسیالیستی با تمام نداشتن امکانات رادیو تلویزیونی اما به شکرانه ی خیزش دیماه ۹۶ و ادامه اعتصابات کارگری ، اعتصابات سراسری رانندگان کامیون ها و اعتراضات سراسری معلمان و دانشستگان بطور همه جانبه تقویت شده است . کمبود اساسی این حرکت عظیم میلیونی کارگری و پارهنگان نبود یک حزب از نوع بلشویکی است که کل آنرا به پیروزی هدایت کند .

زنده یاد شاهرخ زمانی از درون سیاه چال های رژیم جمهوری اسلامی چنین روز هایی را به درستی پیش بینی می کرد و به کمونیست ها و چپ هشدار می داد روزی میرسد که مثل بهار عرب توده ها قیام می کنند و جنازه رژیم در خیابان ها عریان می افتد اما بخاطر نبود تشکیلات و رهبری انقلابی کسی نیست جنازه را بر دارد . او

پرولتاریا روی تشکیلات و شورا ها تکیه دارند بدیل های بورژوازی ضد رژیم روی شخصیت ها و بدست آوردن پشتیبانی شخصیت های با نفوذ در دستگاه های بیگانگان است . تفاوت دیگر در قربانی دادن و نهرا سیدن از مرگ است . شعر برشت گویا و در عین حال دلیل جرات به مبارزه ی عناصر آگاه انقلابی پرولتاریای است . این روز ها ما شاهد مبارزات کارگری هستیم که چگونه بی هراس از دستگاه های امنیتی دست به اعتصاب و راه پیمایی می زنند و فریاد می کنند ما دیگر از شما نمی ترسیم .

ر.دیل

بجز نوشته هایی که با
امضای تحریریه منتشر می
گردد و بیانگر نظرات
حزب رنجبران ایران می
باشد،

دیگر نوشته های مندرج در
نشریه رنجبر به امضا های
فردی است و مسئولیت آنها
با نویسندگانشان می باشد.

موج توفنده جنبش کارگری

خیزش دیماه ۹۶ حرکتی توانا در جنبش عمومی جامعه برای پیشرفت و در کیفیت نوین طبقاتی بوجود آورد . امروز ما نتایج آنرا در سطح وسیع اجتماعی به وضوح می بینیم . این تغییرات هم در اردوی انقلاب محسوس است و هم در صف دشمنان انقلاب . از قدیم گفته اند یک قدم عملی در سطح جنبش توده ای از یک دوجین برنامه موثر تر است . با توجه به مبارزه ی گسترده ی کارگری در پسا دیماه ۹۶ و در پرتوسیاست های تغییر یافته رژیم جمهوری اسلامی اوضاع بسود انقلاب تکامل یافته است .

در صف دشمنان تلاطم و آشوب :

=====

تاریخ گواه بر این است نظام های



برای رفع این کمبود طبق شرایط مشخص ایجاد سه سازمان یا تشکیلات را که مکمل همدیگرند و بهم کمک می کنند را پیشنهاد می کرد و خود نمونه بسیار برجسته ای در این زمینه بود .

او در زندان پیشروان کارگری را به ایجاد سلول های کمونیستی تشویق می کرد و کمونیسم علمی را راهنمای عمل قرار می داد . بودند کارگرانی که هیچگونه آگاهی از کمونیسم نداشتند ، اما در زندان در مکتب شاهرخ زمانی کمونیست شدند .

شاهرخ در سخت ترین شرایط همچنان روی سازماندهی مستقل کارگری اصرار می ورزید و پیروزی جنبش توده ای و انقلاب را در وجود تشکلات کارگری می دانست و معتقد بود بدون چنین فعالیتی نمی شود سازمان پرولتاریا بی پیشرو را بوجود آورد . این ها مثل لب و دندان می مانند .

شاهرخ زمانی برای اطمینان به اینکه انقلاب رادیکال پیش رود و توازن قوا را بسود انقلاب تغییر دهد تا دودمان سرمایه داری و امپریالیسم را از بنیاد بکند و نابود سازد در سازماندهی به اتحادی با هم بزرگتر اعتقاد داشت و همه جا پرچم ستمدیدگان ، زنان و خرده بورژوازی له شده زیر چکمه های بوروکراسی اداری - نظامی را بر می افراشت

امروز ما وفادار به آموزش های شاهرخ تاکید داریم مشی عمومی سیاسی یا بدیل انقلابی سوسیالیستی چتری است که با لای سر هر سه تشکیلات باید باز شود . هر مونی طبقه کارگر در انقلاب در حال شدن کنونی ایران تنها از طریق خط مشی عمومی پرولتاریا میسر است . چنانچه ما قادر شویم خط را به میان توده ها بریم و توده ها در عمل درستی آنرا آزمایش کنند ، انوقت چنان نیرویی بوجود می آید که هیچ قدرتی را یارای مقاومت در برابرش نخواهد بود .

هر طبقه اجتماعی نه تنها خط مشی سیاسی خود را دارد بلکه سبک جنگیدن و کار خود را هم در مبارزه طبق شرایط مشخص هر جامعه بدست می آورد که ماهیتن با دیگر طبقات متقاوت است . پرولتاریا چون در کشور ما پس از صد سال مبارزه متشکل و طی یک روند بغرنج و سختی امروز به نیروی تعیین کننده ای در تغییر انقلابی ایران تبدیل شده است تلاش می کند سبک کار خود را برای پیشبرد مبارزه ارائه دهد . کارخانه ها سنگر کارگران است در حالیکه دو بدیل دیگر بورژوازی که امپریالیسم آمریکا پشتیبانشان است سنگرشان تلویزیون ها یا قبر رضاشاه و کورش کبیر می باشد .



مصاحبه‌ای با شاهرخ زمانی پیرامون حزب سیاسی طبقه کارگر و ویژگی‌های آن (۳)!

توضیح کمیته حمایت از شاهرخ زمانی: این مصاحبه پیش از انتقال شاهرخ زمانی به سلول‌های انفرادی انجام شده

۵ - چگونه می‌توان موانع پیش روی تشکلهای طبقاتی را برداشت؟

جواب: برای برداشتن این موانع اول باید این موانع را شناخت. دوم با برنامه ریزی عملی مشخص در جریان فعالیت انقلابی این موانع را از سر راه برداشته و یا به نقطه قوت تبدیل کرد. سوم طبقه کارگر باید به عنوان طبقه‌ای که به قول مارکس در مانیفیست حزب کمونیست به عنوان ناجی بشریت برای نجات خود باید کل جامعه را نجات دهد و برای چنین منظوری و شناخت ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه به علم کمونیسم به عنوان علم شرایط رهایی‌اش مسلح باشد و در چنین پروسه‌ای می‌باشد که در تلفیق آگاهی سوسیالیستی با جنبش مبارزات کارگری حزب سیاسی به عنوان ابزار هدایت انقلاب و حاکمیت کارگری متولد می‌شود بدون حزب سیاسی نه می‌توان موانع موجود را شناخت و نه می‌توان از سر راه برداشت و نه می‌توان از سیطره نفوذ و قدرت احزاب سرمایه داری خلاص شد. پس اگر به قول مارکس در قطعنامه انترناسیونال اول حزب طبقه کارگر تنها راه نجات این طبقه از دست قدرت داراها می‌باشد. بنا براین اول باید دید موانع ایجاد حزب طبقه کارگر چه هستند و سپس دید موانع تشکیل شدن تشکلهای کارگری کدام می‌باشد؟

این موانع را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف - مشی عمومی

ب - انحرافات درونی جنبش کارگری

الف: موانع عینی عمومی:

۱- دیکتاتوری فاشیستی و عریان سرمایه در سرکوب، خفقان و کشتار انقلابیون و نابودی ساختارهای محکم انقلابی که ادامه کاری فعالیت و تشکل انقلابی را مختل کرده و از انتقال تجربه، آگاهی انقلابی و تجربه تشکل و اشکال مبارزه و سازماندهی به مبارز خود به خودی کارگران در جهت رهایی طبقاتی جلوگیری می‌کند نمونه کشتار دهه شصت انقلابیون سوسیالیست و دمکرات انقلابی

سازی و مشی نفاق اندازی که در برگزاری مجمع عمومی سندیکای اتوبوس رانی تهران مجال پیاده کردن نیافت نشان بارزی از قدرت یابی جنبش مستقل کارگری بود در این تغییر موازنه نیروهای طبقاتی در یکسال گذشته به سود طبقه کارگر و به ضرر بورژوازی حاکم اسلامی فاکتور عوامل خارجی را به حساب نیاورده ایم. با اینکه در آخرین تحلیل این عوامل داخلی هستند که سرنوشت ایران کنونی را معین خواهند کرد ولی بهر حال نمی‌توان عوامل و قدرت‌های خارجی ضد رژیم جمهوری اسلامی را نادیده گرفت. آنها هم بی‌شک در روند تکاملی اوضاع نقشی بازی می‌کنند بخصوص در اوضاعی که طبقه کارگر و نیروهای چپ و کمونیست در عمل نتوانسته اند خود را از وضع پراکندگی طولانی نجات دهند. هرچقدر جنبش کارگری متشکل تر شود و اتحادی باز هم گسترده تر در جریان مبارزات جاری بوجود آیدو بدیل مستقل سوسیالیستی در برابر بدیل‌های امپریالیستی اجتماعی شود روند سرنوشتی رژیم سهل تر به جلو خواهد رفت و انقلاب مامای یک زایمان کم درد و کمتر خسارت خواهد شد. بدین علت بر کلیه نیروهای آزادی خواه و انسان‌هایی که در دل و در شعور و مغز جامعه ایرانی را بدست خود مردم و برای اکثریت عظیم آن می‌خواهند، واجب است از بدیل کارگری در برابر بدیل‌های دیگر دست در دست امپریالیست‌ها و مرتجعان منطقه‌ای پشتیبانی کنند.

مبارزات کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری در مبارزات اخیر خود، پشتیبانی احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست از آنها در داخل و خارج کشور توانست گام بلند تری را در برافراشتن پرچم بدیل مستقل کارگری و سوسیالیستی به جلو بردارد. به پیش بسوی اجتماعی کردن باز هم بیشتر بدیل چپ سوسیالیستی، بویژه در صفوف کارگران، زنان، معلمان و دیگر ستم‌دیدگان به پیش دربسط و گسترش سازماندهی کارگری و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری در همسویی و در همبستگی با تشکل‌های کنونی مستقل - هفت‌تپه و اتوبوس‌رانی تهران به پیش بسوی یکی شدن نیروی چپ و کمونیستی در خدمت ایجاد حزبی انقلابی مسلح به کمونیسم علمی، پیوند یافته با پیشروان آگاه طبقه کارگر و بر خوردار از مشی سیاسی عمومی منطبق با شرایط مشخص ایران

ر.دیلیم

دیکتاتوری هیچگاه راضی به گام برداشتن به سود توده‌ها نمی‌شوند مگر که مجبور شوند. در رژیم جمهوری اسلامی حتی در بهترین شرایط اقتصادی و سیاسی سرکردگان آن هیچگاه خواست‌های مردم را ملاک سیاست و روش خود قرار نداده‌اند و براین باورند که هرگونه عقب نشینی در برابر خواست‌های توده و جنبش‌های اعتراضی بمعنی پا را در سرازیری گذاشتن است و تا سقوط کامل پیش خواهد رفت. بارها علی‌خامنه‌ای این نظر را یاد آور شده و اختلاف اساسی او با جناح اصلاح طلبان درون رژیم درست بر سر ارزیابی از همین مطلب است. خیزش عظیم دیمه و ادامه مبارزات کارگران و دیگر اقشار جامعه، بحران ساختاری رژیم را به سطح سیاسی و از منظر مخالفان شرایط نوینی را در روند انقلابی بوجود آورده است. عواملی که نقش موثری در این اوضاع داشته به قرار زیرند:

سرعت گرفتن گرایش فروپاشی اقتصادی، رشد سریع و ناگهانی تورم لحام گسخته، گسترش و عمق بخشیدن به فلاکت و قحطی توده‌ای و همه جا گیر و رسیدن رقم زیر خط فقر به پنجاه میلیون نفر، بسط ازکار افتادگی موسسات تولیدی و سرویس‌ها، گسترش بازهم بیشتر معوقه‌های مزدی، ساختاری شدن ناامنی شغلی ناشی از تعطیل شدن کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، فروماندگی کامل حاکمان در یافتن راه برای خروج از بحرانی که سقوط کاملشان را در پیش دارد. اما در عمل با تمام مقاومت‌ها و سرسختی‌های قدرت حاکمه دوتغییر بزرگ پس از دیمه در عمل بوجود آمده است و جبر مبارزه طبقاتی شرایط را به حاکمان تحمیل کرده است: یکی مشت آهنین سرکوب آنها را که تابحال در برابر جنبش‌های مردمی بکار برده تا اندازه‌ای ناتوان کرده و دومی به جناح‌های اصلاح طلب درون رژیم مجالی داده تا بار دیگر در صحنه سیاسی برای نجات نظام عرض اندام کنند.

در صف انقلاب تغییرات گام‌های بزرگ به پیش:

=====

در صف انقلاب جرات به مبارزه را ارتقا بخشیده، رویکرد به تشکل‌های مستقل صنفی و سندیکایی در مبارزه جمعی با سرعت فزونی یافته، بار دیگر حرکت‌های شورایی در میان جنبش کارگری جان گرفته و کارگران مجتمع بزرگ هفت تپه در مبارزه توانسته‌اند شورای کارگری خود را بوجود آورند. از سوی دیگر طرح موازی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی



توسط جمهوری اسلامی با هدایت سرمایه داری جهانی که جنبش کارگری را از ابزار سیاسی _ طبقاتی در قالب حزب رزمنده اش با کمک انحرافات اپورتونیستی مخصوصاً "حزب توده محروم نمود ۲- درآمد پایین ، بیکاری مزمن سازمان یافته به عنوان محور اساسی گرسنگی ترریق هدمند دشمنی طبقاتی که کارگران و محرومان را وادار به دوندگی ۲۴ ساعته برای لقمه ای نان کرده و هر گونه قدرت و فرصت فکر ، آگاهی یابی ، سازمان و تشکل یابی را از آنها سلب می نماید مخصوصاً در شرایط نبود ساختار انقلابی که می توانست این مسئله را به انگیزه تقویت مبارزه سیاسی _ اقتصادی تبدیل کند(یعنی اگر یک حزب انقلابی در شرایط کنونی وجود داشت می توانست فقر و گرسنگی و بیکاری و فلاکت اقتصادی کنونی را به سکوی خیزش بزرگی علیه سرمایه داری تبدیل نماید چرا که مردم بخصوص کارگران در حال حاضر برای نجات خود آماده هر گونه مبارزه و فداکاری هستند، در شرایط های این چنینی در صورت وجود یک حزب واقعی سرمایه داری از ترس انقلاب کارگری مجبوراً تن به خواست های کارگری می دهد اما اکنون جمهوری اسلامی و حتی سرمایه داری در دیگر کشور ها نه تنها تن به قبول برخی از خواسته های کارگران نمی دهند بلکه بیشتر به معیشت آنها حمله می کنند چون ترسی ندارند) این مسائل عامل تجدید جرم و جنایت و فساد ولعینیزم در میان لایه های پایین جامعه می گردد

۳- بدبینی توده ها ناشی از به شکست کشاندن انقلاب ۵۷ توسط جمهوری اسلامی در خلا حزب طبقه کارگر در هدایت و رهبری انقلاب در جهت حاکمیت بلاواسطه شورایی کارگران

۴- استفاده ابزاری رژیم از عقاید مذهبی مردم در مقابله با آگاهی و تشکل انقلابی از طریق ترویج و تبلیغ و آگاهی و تشکلهای کاذب شبه پوپولیستی و قرار دادن توده ها در مقابل هم .

۵- عقب ماندگی مناسبات اقتصادی بر اثر رشد ناموزون سرمایه داری و تسلط نظام طفیلی _ دلالی سرمایه داری وابسته بر اساس تقسیم کار بین المللی در تعیین مواد خام عمدتاً نفت و گاز و نیروی کار ارزان برای سرمایه داری جهانی در نتیجه عقب ماندگی شدید اجتماعی و قطب بندی ناقص طبقاتی که عناصر رانده شده از مناسبات ماقبل سرمایه دار  به صورت جمعیت حاشیه تولید و بی هویت (دکلاسه) با

شغلهای کاذب تلنبار شده در حاشیه شهرهای بزرگ و یا به صورت بوروکراسی عظیم اداری _ نظامی بی مصرف شکل می گیرند و از طریق طبقه کارگر به غیر از ماشین سازی ، پتروشیمی و نفت و کلا" قسمت مولد بزرگ به عنوان پرولتر واقعی دیگر بخشهای آن از قابلیت سازماندهی ارگانیک و سراسری به علت پراکندگی و انفرادی بودن کمتر برخوردار هستند و تأثیر چندانی در روند انقلاب و سرنوشتی ریشه ای نظم موجود و انقلاب اجتماعی ندارند.

۶- حساسیت و اهمیت کشور ما از لحاظ ژئوپلیتیک به عنوان ترمینال غرب و شرق و شمال و جنوب و همچنین بزرگترین مرکز مواد خام (نفت) برای سرمایه داری جهانی و همچنین تجارب دو انقلاب مشروطیت و ۵۷ و تجارب احزاب و تشکلهای کارگری _ انقلابی بنابراین امپریالیزم جهانی کوچکترین اشکال دمکراسی و دولتهای شبه مردمی حتی در حد مصدق السلطنه رحم نکرده و غیر از اشکال خفقان و سرکوب در اشکال سیستم ارباب رعیتی شاهنشاهی و یا فاشیسم خونخوار اسلامی را در مقابله با جنبش سوسیالیستی _ کارگری تحمل نمی کند.

در کنار این ۶ محور عمده بازدارنده برای شکل گیری تشکلهای صنفی _ سیاسی کارگری و اعتراضات و اعتصابات کارگری _ توده ای و از اینها مهمتر انحرافات اپورتونیستی در اشکال : رفرمیستی، سوسیال دمکراتیک، انحلال طلبانه در داخل جنبش کارگری _ کمونیستی بزرگترین سد و موانع اساسی در شکل گیری تشکلهای پایدار سراسری کارگری مخصوصاً "حزب سیاسی را بازی می کنند . عمده ترین این انحرافات عبارتند از : ۱- عدم درک انقلابی ، ماهوی و ارگانیک از کلیت سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود ، تجزیه اجزا و اشکال مبارزه به اجزای اولیه مانند دیوارکشی بین اشکال سیاسی- صنفی و دوری از سازماندهی انقلابی در جهت انقلاب اجتماعی ، اختراع جنبش های اجتماعی مستقل از هم و عدم درک رابطه برنامه حداقل ، حداکثر و مطالبات سوسیالیستی و دمکراتیک .

۲- برخورد فرقه ای - اراده گرایانه در اشکال سکتاریستی و شبه آنارشیستی با پدیده تشکیلات و تئوری انقلابی به عنوان هدف قائم به ذات و نه ابزار سازماندهی انقلاب و حاکمیت شورایی کارگران و قطع ارتباط و دوری هزاران کیلومتری از سازماندهی مستقیم کلیه اشکال مبارزاتی کارگران در محیط کار و زندگی آنان

۳- پرستش و دنباله روی از حرکات و مبارزات پراکنده و خود به خودی کارگران ، غلو و بزرگنمایی این مسائل در حد دل مشغولی و خبر رسانی .

۴- تفکیک اپورتونیستی و سازشکارانه اشکال مبارزه و تشکلهای صنفی و سیاسی کارگران و دنباله روی از جریانات بورژوازی- سندیکایی در این حوزه ها .

۵- تبلیغ و چسبیدن به اشکال قانونی و علنی تشکل و مبارزه و در نتیجه زمینه سازی برای شناساندن و چهره سازی و سرکوب بهترین نیروهای پایه ای و مردمی کارگران و بریدن ارتباط آنها از محیطهای کار و زندگی کارگران و دامن زدن به بدبینی و دوری کارگران پیشرو از عرصه فعالیت انقلابی .

۶- توهومات و خیال پردازی های کاریزماتیک در تبلیغات رسانه ای و اینترنتی در ترفیق وظایف اصلی و دوری هر چه بیشتر از سازماندهی و اقدام مستقیم کلیه اشکال مبارزه و تشکل طبقاتی در محیط کار و زندگی کارگران از طریق ایجاد سلولهای کمونیستی به عنوان اجزای اساسی حزب سیاسی و اهرم نیرومند سازماندهی جبهه انقلاب کارگری

۷- برخورد پوپولیستی با جنبش طبقاتی- سیاسی کارگران در عدم تعیین نقش و وزن طبقه کارگر به عنوان نیروی اصلی و رهبری انقلاب و حاکمیت شورای دمکراتیک و در هم آمیزی مرزهای طبقاتی و تبلیغ سازش طبقاتی به جای مبارزه از طریق اختراع و جایگزین کردن الفاظی مانند مزدبگیران به جای طبقه و در نتیجه عدم تلاش برای سازمان دهی مستقیم و ارتباط گیری مستقیم با این طبقه .

۸- کم اهمیت دادن به تبلیغات سیاسی به عنوان اهرم اصلی پرورش سیاسی و ارتقا شعور مستقل طبقاتی - سیاسی کارگران در شناخت طبقات و لایه های اجتماعی و احزاب سیاسی و هم چنین اهرم هدایت و رهبری سیاسی آلترناتیو انقلابی دمکراتیک توسط این طبقه و اعمال هژمونی آن بر طبق برنامه حداقلش (انحرافات اپورتونیستی فوق در جنبش کارگری- سوسیالیستی قبل از هر چیزی از شکل گیری حزب سیاسی - واقعاً "طبقه کارگر به عنوان یگانه وسیله سازماندهی مبارزات سوسیالیستی و دمکراتیک کنونی جلوگیری می کند)

اما سؤال اساسی این است که آیا می توان بر مشکلات فوق غلبه کرد ؟ آیا می توان در جهت ایجاد حزب سیاسی کارگری حرکت نمود ؟



نگاهی به تاریخ پرافتخار جنبش سوسیالیستی - کارگری کشورمان نشان می دهد علی رغم موانعی بدتر از اینها در بحرانی ترین شرایط خفقان و دیکتاتوری تولد حزابی مانند عدالت و کمونیست (اولیه) و سازمان های دمکرات

ادامه دارد



در جنبش جهانی... بقیه از صفحه آخر

است. نرخ بیکاری و افزایش قیمت ها به شدت فزونی یافته است. مسکن، بیمه های سلامتی و آموزش و پرورش فراتر از حد توان انسان غیر قابل دسترسی است. فساد بیشتر شایع شده است. در نتیجه، مخالفت مردم با حکومت مودی افزایش می یابد. ما از این برتافتگی علیه حکومت مودی (Modi) استقبال می کنیم. ما امیدواریم که مردم در انتخابات بعدی با رای خود او را برکنار کنند. اما همان طور که بارها ثابت شده است، جایگزینی حکومت مودی با ترکیبی از احزاب منطقه ای همراه کنگره ملی به تنهایی نمی تواند جایگزین سیاست های فاشیستی شرکت های بزرگ BJP شود. آنچه که مورد نیاز است جایگزینی حاکمیت مردمی است که رژیم نئولیبرال را رد کرده و برای دموکراتیزه کردن تمام زمینه ها کار می کند، از جامعه ای بواقع سکولار و بی طبقه دفاع می کند که باید برای توسعه و پایبندی به عدالت و تعالی مردم تلاش کند. چنین جایگزینی نیز باید بر تقویت موجودیت چپ مستقل تمرکز کند. برای این منظور ما باید هرجایی که امکان دارد، بهنگار (Bhangar) را مانند جنبش های مقاومت تقویت و پشتیبانی کنیم و ساختارهای سیاسی توده ای را از سطح ایالتی به سطح تمام هندوستان بر اساس مانیفست مردم بسازیم. پس از قیام بزرگ نکسالباری (Naxalbari) و تشکیل حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست)، ما آرزو داشتیم در مسیر انقلاب پیشرفت کنیم. اما، به دلیل تجزیه و تحلیل اشتباه از وضعیت هند و خط تاکتیکی ماجراجویانه چپ از یک سو و به علت سرکوب شدید دولتی از سوی دیگر، جنبش با رکود شدید و تجزیه مواجه شد. با تصحیح این اشتباهات و تلفیق تئوری و عمل مارکسیست-لنینیستی در انطباق با شرایط کنونی، حزب کمونیست هندوستان - ستاره سرخ به عنوان یک سازمان مبارز

با چهار دهه تلاش خستگی ناپذیر ساخته شد. در ادامه رهبری جنبش های متعددی که طی دو دهه گذشته حزب به پیش برد، جنبش بهنگار (Bhangar) به نقطه عطفی در پیشرفت های ما تبدیل شده است. این امر امکانات بسیار زیادی را برای توسعه در تمامی سطوح بوجود آورد که الهام بخش فعالیت های مشابه بیشتر در روزهای آتی خواهد شد. ما از تمام نیروهای چپ و دموکراتیک مبارز، تمام طبقات و اقشار ستمدیده تقاضا می کنیم با تمام امکانات از کنگره ۱۱ حزب در بنگالورو برای گام بزرگی به پیش حمایت نمایند.

زنده باد حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) ستاره سرخ! ما از همه رفقا و دوستان درخواست می کنیم که سخاوتمندانه کمک و حمایت مالی خود را به حساب بانکی زیر ارسال کنند:

Account Name: CPI(ML) Red Star
Bank: Corporation Bank
Account #: 510101002779667
IFSC: CORP 0001312
Branch: Nawada Branch
New Delhi, India



پایگاه های جدید... بقیه از صفحه آخر

استرالیا، محدود سازد.

آرژانتین برای مدت زیادی یک مرکز مهم منطقه ای برای «منافع ایالات متحده» در آمریکای لاتین بود. آرژانتین درحالیکه کمترین کمک نظامی ایالات متحده را دریافت می کرد و کمتر پرسنل نظامی آموزش دیده آمریکائی را نسبت به کشورهای دیگر در سراسر نیمه جنوبی آمریکای لاتین دریافت می کرد، آرژانتین مرکز عملیات برای پنتاگون بود. معهذاً، به زودی پس از هزاره جدید، آرژانتین با بسیاری از کشورهای دیگر در منطقه باپیوستن و با دیکته کردن های امپریالیستی ایالات متحده کمتر مخالفت می کرد، بطوریکه مشکلات عمده ای را برای برنامه ریزی های امنیت و دفاع منطقه ای ایالات متحده بوجود آورد. بین سال های ۲۰۱۵ - ۲۰۰۳، این کشور توسط نستور کیرچنر تا سال ۲۰۰۷ و سپس توسط همسرش کریستینا، تا سال ۲۰۱۵، هر دو از سیاستهای مستقل و محبوب داخلی و خارجی پیروی می کرد در حال حاضر ایالات متحده قرار است

سه پایگاه نظامی جدید در آرژانتین، در نیوکوئین، میسیونس و آشویا ایجاد کند. این حرکت با برنامه ریزی دفاعی و امنیتی ایالات متحده هدایت شد که از اواسط دهه ۱۹۶۰ با پیشرفتهای تکنولوژی آغاز می شد که پنتاگون از آن جهت با ارتقاء موقعیت های هژمونیک و با ارتباطات اطلاعاتی جهانی استفاده میکرد. در اکتبر سال ۱۹۶۹، خوانندگان روزنامه ستاره در آفریقای جنوبی، از اهمیت سه برنامه: در مورد آرژانتین، آفریقای جنوبی و استرالیا برای طرح دفاعی و امنیتی برای اقیانوس های جنوبی و مرکزیت کشورشان به منظور طرح دفاعی و امنیتی غرب مطلع شدند. به همین ترتیب، در سال ۱۹۷۲، یک مجله نظامی نخبه بریتانیا، گزارش سالیانه براسی (پیمانکار مهندسی عمران انگلیسی و تولید کننده مصالح ساختمانی - مترجم)، به اهمیت سه برنامه ریزی عمده برای غرب اشاره کرد. بعدها، در اوایل سال ۱۹۷۳، کل طرح نظامی عملیاتی شد؛ ستاد عملیاتی و ارتباطات دریائی در منطقه معدن نقره، نزدیک کیپ تان در آفریقای جنوبی با امکانات مشابه در دیگو گارسیا و پاپن گپ در مرکز استرالیا مرتبط بود. محدوده اعلام شده از تسهیلات معدن نقره عبارتند از آرژانتین، شمال آفریقا و قطب جنوب، تامین تدارک دفاعی و امنیتی برای جنوب اقیانوس اطلس با پوشش اقیانوس هند در بنگلادش. تماس مستقیم با ایالات متحده از طریق پورتوریکو، با تماس مشابه با وایتحال در لندن از طریق موریٹیوس برقرار شد.

تجهیزات نظامی بطور مداوم به روز شده است، روندی که تا به امروز با بودجه نظامی آمریکا ادامه داشته است. با استفاده از نقشه واقعی جهان به نام نقشه پینتر، مقیاس ۱: ۱.۲۳۰.۰۰۰.۰۰۰، فاصله بین بوئنوس آیرس، سیلور ماین، دیگو گارسیا و پاپن گپ، همه با ۱۷ سانتیمتر ثابت باقی می ماند، که دمسازی سیستم های انتقال علامت را معلوم می کند. مطالعات بعدی در زمینه تدارک دفاعی و امنیتی بیشتر ایالات متحده هر دو دیگو گارسیا و گوام را به عنوان مرکز عملیات نظامی توسعه یافته نشان داد. هم چنین آنها بر روی قوس ۱۷ سانتیمتری پاپن گپ قرار دارند، و به عنوان "هدف واحد نشانه گیری به سمت چین" اشاره می کنند. لینک نهائی در زنجیره ارتباطات اطلاعاتی در سراسر اقیانوس اطلس از آرژانتین و اقیانوس هند در حال گسترش است، شعاع جلو تر ۱۷ سانتیمتری قوس از گوام است که ارتباطی

ایجاد شوراهای کارگری ضرورت پیشروی جنبش کارگری است



در میان تازه انتخاب شدگان دو زن مسلمان (لهان عمر، نامزد مسلمان سومالیایی تبار، در ایالت مینه‌سوتا و رشیده طالب، نامزد فلسطینی‌تبار مسلمان در ایالت میشیگان) دیده می‌شوند، یک بومی آمریکایی و یک زن ۲۹ ساله که جوانترین عضو کنگره تا این زمان است و از جمله یک زن آمریکایی ایرانی تبار موفق شدند به عنوان نمایندگان دو حوزه انتخاباتی وارد مجلس نمایندگان شوند.

با از دست رفتن اکثریت حزب جمهوریخواه در مجلس نمایندگان، دونالد ترامپ در دو سال باقیمانده از این دوره ریاست جمهوری در پیشبرد سیاست‌های خود به خصوص در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی داخلی، با مقاومت بیشتری از سوی کنگره مواجه خواهد بود.

انتخابات میان دوره تعیین کننده آن است که چه حزبی -دموکرات یا جمهوریخواه- کنترل هر یک از دو زیرمجموعه کنگره یعنی مجلس نمایندگان و سنا را در دست خواهد داشت. حزبی که کنترل هر یک از این دو مجلس را در اختیار دارد معمولاً در رای‌گیری‌های قانون‌گذاری آن مجلس پیروز می‌شود. قوانین پیشنهادی برای دریافت تایید رئیس جمهور نخست باید تایید سنا و مجلس نمایندگان را به دست آورند.

اعضای مجلس نمایندگان در دوره‌های دو ساله در این مجلس حضور دارند. همه ۴۳۵ عضو این مجلس در هر انتخابات میان دوره و نیز در انتخاباتی که هم‌زمان با انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود، تعیین می‌شوند. شمار نمایندگان هر ایالت وابسته به جمعیت آن ایالت است. هر یک از نمایندگان یک ایالت، نماینده یک منطقه خاص از آن ایالت است که بر مبنای تقسیم‌بندی کنگره‌ای تعیین می‌شود. هر نماینده باید دست‌کم دارای ۲۵ سال سن و هفت سال سابقه

به تصویب رسید نمونه دیگری از موضع جنگ سرد این کشور می‌باشد. به این نکته اشاره شده است که قوانین سختگیرانه و بی رحمانه در مورد « شرکت های چینی مایل به سرمایه گذاری در ایالات متحده را تحت "نظارت دقیق تر" قرار می دهند، به ویژه با استفاده از فناوری های دو جانبه که تصور می شود برنامه های غیر نظامی و نظامی داشته باشد ».

جالب است که در این نکته توجه کنید که چگونه بعضی از عناصر تخصصی چینی بیشتر توجه آمریکا را نسبت به دیگران جلب کرده است: به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۹ دولت کریستینا کرچنر، رئیس جمهور آرژانتین تصویب کرد که چین برای توسعه یک سیستم ردیابی ماهواره ای به منظور تحقیقات فضایی برای مطالعه قسمت تاریک کره ماه را انجام دهد. آرژانتین مورد استفاده قرار گرفت هم چنانکه چین ضرورت یک مکان استراتژیک در پشت کره ماه (دور افتاده ترین نقطه از کره زمین - مترجم) را برای برقراری ارتباطات در نظر گرفته بود. این تأسیسات در سال ۲۰۱۶ مورد استفاده قرار گرفت و بنابراین تصادفی نیست که پایگاه تازه پیشنهاد شده ایالات متحده در نوکوتن (۱) در نزدیکی سیستم مشترک ردیابی ماهواره ای چین/آرژانتین قرار دارد.

در نتیجه، تلاش های ایالات متحده برای به عقب برگرداندن نفوذ چینی در آرژانتین هم چنین بخشی از برنامه ریزی گسترده تر است که شامل استرالیا از طریق ارتباطات اطلاعاتی است. ما باید بر اساس دستور العمل های آمریکا مراقب باشیم برای احتمال تهاجم و دخالت نظامی ارتش استرالیا در نیمه جنوبی آمریکا، متعاقب مداخلات مشابه در سایر نقاط، از جمله عراق، سوریه و شبه جزیره کره.

پیشگام: ارگان حزب کمونیست استرالیا (مارکسیست - لنینیست)

Nuequen - ۱



نگاهی به انتخابات آمریکا بقیه از صفحه آخر

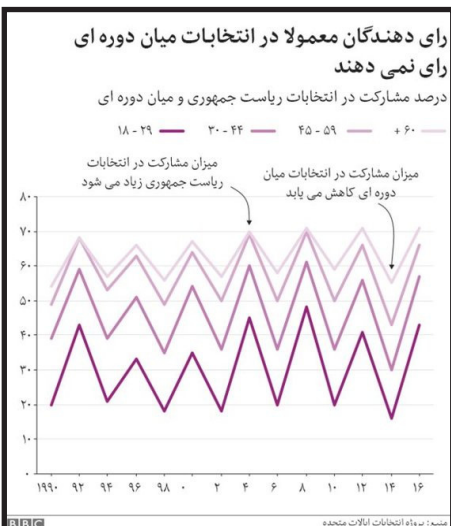
حزبی مشخصی ندارند به منزله حمایت مردم از سیاست‌ها و تأییدیه ای بر ریاست جمهوری خود تلقی می‌کند رسانه‌های آمریکا اعلام کرده‌اند که دموکرات‌ها با کسب بیش از ۲۳ کرسی جدید در مجلس نمایندگان، توانسته‌اند اکثریت این مجلس کنگره را کسب کنند.

با فرماندهی ایالات متحده در اقیانوس هند/ اقیانوس کبیر که واقع در هاوایی است دارد. باید تعجب نکنید که ایالات متحده با توجه به افزایش نفوذ چین، ملاحظات مرتبط در آمریکای لاتین با سایر امکانات نظامی در منطقه آسیا و اقیانوس آرام ارتباط دارد. در بسیاری از دولتهای آمریکای لاتین در سالهای اخیر، پکن سرمایه‌گذاریهای بزرگ و تجارت مطلوب را جذب کرده است.

هم چنین، ایالات متحده تقریباً دو دهه در ونزوئلا مشغول ایجاد تحولات بود. دولت های چپ گرا بطور موفقیت آمیز موقعیتهای سنتی تسلط امپریالیسم آمریکا را به چالش کشاندند. علی رغم توطئه های بی ثبات سازی گسترده توسط ایالات متحده، دولت کنونی نیکولاس مادورا، رئیس جمهور فعلی، هنوز محبوب است و طرح دور بیشتر از قوانین مترقی را که شامل افزایش حد اقل دستمزد به ۴۰ دلار در ماه می باشد را برنامه ریزی کرده است. (۹) ونزوئلا به عنوان یک کشور غالب در منطقه، هم چنین موفق به رهبری سایر دولتها شده است تا از دستور العمل های امپریالیسم آمریکا پیروی نمایند، این حرکت باعث شد که دولت ترامپ در حال حاضر در واقع در باره تهاجم احتمالی به کشور نام برده را اخیراً به بحث بگذارد.

در نقاط دیگر، در بولیوی و اکوادور، دولت های مترقی هم چنان توسط اقشار و طبقات پائین جامعه فعالانه حمایت می شوند. معهذاً، در بولیوی، عملکردهای قانون اساسی ممکن است تغییرات عمده دولت در سال جاری را شامل شود. در اکوادور، دولت انگیزه کمتری در سال های اخیر به منظور چالش ایالات متحده، مانند مورد جولیان اسانژ از خود نشان داده است. ایالات متحده، با این وجود، متعاقب دهه ها حمایت از رژیم های سرکوب گر، در آمریکای لاتین عمیقاً بدنام و منفور باقی مانده است. با این حال، اکنون به نظر می رسد تلاش برای بازگرداندن هژمونیک های سنتی با سرکوب و از بین بردن دولتهای مخالف و به چالش کشیدن نفوذ چین در منطقه اهداف سیاست خارجی آمریکا می باشد.

در سیاست خارجی ایالات متحده مدام در مورد چین شکایت دارد که پنتاگون پس از برابر فرض کردن قدرت اقتصادی در حال افزایش پکن و توانائی آن در شکل گیری امور منطقه ای و جهانی با افزایش توان نظامی و اطلاعاتی، یک ذهنیت جنگ سرد را علیه پکن اتخاذ کرده است. قانون جدید دفاع ملی که اخیراً در ایالات متحده





**به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!**

**سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.
org**

**سایت آینه روز
www.
ayenehrooz.com**

**سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.
org/01_ranjbar-
online**

**سایت آرشیو روزنامه
رنجبر
http://www.
yudu.com/li-
brary/16050/
Ayeneh-Rooz-s-
Library**

بود. دموکرات‌ها در مجموع کنترل شش فرمانداری را از جمهوریخواهان گرفتند. اما در ایالت مهمی چون فلوریدا، حامی ترامپ در انتخابات فرمانداری پیروز شد و می‌تواند در انتخابات ۲۰۲۰ به ترامپ برای پیروزی مجدد کمک کند. جمهوریخواهان در انتخابات فرمانداری ایالت‌های اوهایو و آیووا هم پیروز شدند انتخابات اخیر بیشتر انتخابات مناطق روستایی علیه مناطق حومه شهری بود و این شکافی را که در کشور در حال بروز است نشان می‌دهد. پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات مجلس نمایندگان به خاطر رای مناطق برون شهری تحصیل کرده بود که تا کنون اغلب به جمهوریخواهان رای می‌دادند. در این میان رای‌دهندگانی هم بودند که با سیاست‌های ترامپ راحت نبودند. حال که دموکرات‌ها اکثریت را به دست آوردند، می‌توانند از برخی اقداماتی که از سوی جمهوریخواهان مطرح شده، ممانعت کنند. مهم‌ترین اقدام آنان می‌تواند برگزاری جلسات استیضاح علیه دونالد ترامپ باشد؛ اقدامی که ترامپ به شدت در تلاش است تا از آن جلوگیری کند.

در سطح داخلی این نتایج را به هر شکلی که بسنجید نشان‌دهنده آنست که در ایالات متحده عرصه برای جناح راست فاشیستی تنگ‌تر میشود و جمهوریخواهان که پس از روی کار آمدن ترامپ به اصطلاح از پیروزی سه‌گانه بهره‌مند شدند یعنی کنترل ریاست جمهوری، هر دو مجلس کنگره و سنا، و دیوان عالی، شرایط جلوگیری از صدمات بیشتر آنها فراهم میشود..

فراموش نکنیم که دموکرات‌ها ممکن است طی دو یا شش سال، سنا و حتی ریاست جمهوری را بار دیگر به دست آورند، به دست آوردن اکثریت دیوان عالی خیلی بیش از این طول می‌کشد اما در عین حال که آسیب‌رساندن به جهان کاملاً محتمل است، به نظر می‌رسد آنچه انجام آن برای دولت ایالات متحده خوب است فراسوی توان ایالات متحده است

نتیجه یک ایالات متحده‌ی دست راستی‌تر در یک جهان آشوب‌زده‌تر است که حمایت‌گرایی مضمون اصلی اغلب کشورها است و اکثریت مردم جهان تحت فشار اقتصادی‌اند. آیا کار به آخر رسید؟ به‌هیچ‌وجه، نه در ایالات متحده و نه در نظام جهانی. این مبارزه‌ای مستمر بر سر سمت‌وسوی نظام (یا نظام‌های) جهانی آینده است که مستولی باید باشد و مستولی خواهد بود



شهروندی آمریکا را داشته باشد و در ایالتی زندگی کند که نمایندگی آن را بر عهده دارد.

اعضای مجلس سنای آمریکا یعنی سناتورها دوره‌های شش ساله دارند. در هر دوره از انتخابات شامل انتخابات میان‌دوره و نیز در انتخاباتی که همزمان با انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود، یک سوم از آنها تعیین می‌شوند. سنا ۱۰۰ سناتور دارد و هر ایالت آمریکا دارای دو سناتور است. سناتورها باید دست کم ۳۰ سال سن و ۹ سال سابقه شهروندی آمریکا را داشته باشند و در ایالتی که نمایندگی آن را بر عهده دارند، زندگی کنند.

برای به دست آوردن اکثریت در مجلس سنا، تصاحب ۵۱ کرسی و برای کنترل مجلس نمایندگان به دست آوردن ۲۱۸ کرسی لازم است. در زمان برگزاری انتخابات صف‌های طولانی در مقابل حوزه‌های رأی‌گیری شکل گرفت و آمار حکایت از مشارکت کم‌سابقه مردم آمریکا در این انتخابات دارد.

در حالی که انتخابات میان دوره به گزارش روزنامه ایندپندنت، به طور کلی نسبت به انتخابات سراسری همزمان با انتخابات ریاست جمهوری تعداد کمتری شرکت‌کننده دارد، تحقیقی در این باره نشان می‌دهد که سال جاری میزان شرکت رای‌دهندگان در انتخابات در سراسر آمریکا افزایش یافته است. نتایج این انتخابات برای آینده ریاست جمهوری دونالد ترامپ و همچنین برای برنامه‌های قانونگذاری احزاب دموکرات و جمهوریخواه اهمیت بسیاری خواهد داشت و می‌تواند تأثیری قابل توجه روی چشم‌انداز کلی سیاسی آمریکا داشته باشد.

کنترل کنگره در دست هر حزبی که قرار بگیرد، آن حزب از مزیت تصویب قوانین پیشهادی خود یا ممانعت از تصویب طرح‌های مخالف یا تأیید نامزدهای رییس جمهور برای دادگاه عالی برخوردار است. البته انتخابات ایالتی برای تعیین فرماندار نیز می‌تواند تأثیر مهمی بر انتخابات دیگر داشته باشد. برای مثال بنا به تصمیم فرماندار فلوریدا، بز هکاران این ایالت به طور دائم از شرکت در انتخابات منع شده‌اند و به دنبال این تصمیم، نزدیک به ۱,۵ میلیون تن از اهالی فلوریدا از حق رای محروم هستند. در انتخابات برای فرمانداری‌ها، برخی ایالت‌ها که در انتخابات ۲۰۱۶ با اکثریت آرا به ترامپ رای دادند در این انتخابات از حزب جمهوریخواه حمایت نکردند. مثلاً در ایالت‌های ایلینوی و کانزاس چرخش به سمت دموکرات‌ها



در جنبش جهانی کمونیستی

درخواست کمیته مرکزی برای برگزاری موفقیت آمیز کنگره حزب کنگره ۱۱ حزب را در بنگالورو به موفقیت بزرگ تبدیل کنیم! رفقا و دوستان عزیز، با درودهای انقلابی. کنگره ی ۱۱ حزب ما پس از تظاهرات توده‌ای روز جمعه ۲۶ نوامبر در روزهای ۲۷ نوامبر الی ۱ دسامبر در بنگالورو برگزار می شود. این در شرایطی است که گرایش های فوق العاده راستگرا، شرکت های بزرگ و فاشیستی در عرصه بین المللی

تقویت می شوند. آنها در مقابل طبقه کارگر و توده های ستمدیده چالش های بیشتری را قرار داده اند. همانطور که بحران سیستم سرمایه مالی بین المللی همچنان تشدید می شود، قدرت های امپریالیستی، با ایالات متحده در خط مقدم، از طریق افزایش جنگ های داخلی، مسابقه تسلیحاتی، جنگ تجاری و غیره، بار خود را بر دوش مردم جهان هزینه می کنند. در عرصه ملی، تحت حکومت فوق العاده راست مودی (Modi)، سیاست های

نئولیبرال با سرعتی دیوانه وار (دهشتناک) تشدید می شود. از طریق فروزینه کردن رتبه و مقام (demonetization) و GST، غارت شرکت های بزرگ بیشتر شدت یافته است. سیاست های فاشیستی عمومی مشترک فزونی یافته است. حملات به اقلیت ها، دالیات ها، آیدوازی ها، زنان و کلیه دیگر طبقات تحت ستم افزایش یافته است. تحت سیاست مانوادی (Manuvadi) تمام ارزش های مترقی موجود مورد حمله قرار گرفته است. تاریخ و فرهنگ قلب (saffronized) شده

پایگاه های جدید ایالات متحده آمریکا به منظور تقویت و حفظ سلطه جهانی خود

ستاره سرخ، نشریه حزب کمونیست هند، اکتبر ۲۰۱۸، برگرفته از نشریه پیشگام: ارگان حزب کمونیست استرالیا (مارکسیست - لنینیست) اعلان اینکه امپریالیسم آمریکا پایگاه های جدید خود را در آرژانتین طرح ریزی کرده، نشان دهنده تجدید نظر نظامی با سه سنجش و ملاحظه اصلی است که صورت می گیرد. اولاً آرژانتین از لحاظ تاریخی یک مرکز قطب منطقه ای برای « منافع ایالات متحده

آمریکا » بوده است. معهذاً، در دوره سالهای ۲۰۱۵ - ۲۰۰۳ « منافع ایالات متحده » توسط دولت های چپ میانه رو در بوئنوس ایرس تهدید شد. در حال حاضر به نظر می رسد که دولت کنونی ترامپ تلاش می کند که آرژانتین را به عنوان یک مرکز استراتژیک و منطقه ای در اولین فرصت بازسازی کند. ثانیاً، ملاحظات گسترده از جمله ونزوئلا، بولیوی و اکوادور هم چنان به عنوان یک

تهدید رسمی برای موقعیت های منطقه ای استراتژیک ایالات متحده عمل می کنند. با این حال، ایالات متحده تا همین اواخر و بال گردن دولت ها بوده که تمایلی به پذیرفتن اهداف سیاست خارجی آن نداشته اند. سرانجام، ایالات متحده تلاش می کند تا نفوذ چین در آرژانتین، در سراسر منطقه آمریکای لاتین و در سطح جهانی، از طریق امکانات نظامی خود در آرژانتین مرتبط با سایر نقاط در مناطق دیگر، از جمله

نگاهی به انتخابات آمریکا

در روز ۶ نوامبر ۲۰۱۸ رأی گیری در انتخابات میان دوره ای کنگره آمریکا به پایان رسید و بر اساس نتایج اعلام شده، دموکرات ها پس از هشت سال توانستند کنترل مجلس نمایندگان را بار دیگر به دست آورند. انتخابات میان دوره ای در آمریکا به هیچ وجه انتخابات بین درست و نادرست و..... نیست. این انتخابی بین جناح های مختلف

بورژوازی امپریالیستی بر سر بدست آوردن هژمونی بر بزرگترین و قدرتمندترین اقتصاد و نیروی نظامی جهان است در این انتخابات تمامی ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان کنگره آمریکا به رأی گذاشته شد. رأی گیری برای انتخاب یک سوم کرسی های مجلس سنا (۳۵ سناتور) هم همزمان در برخی ایالت ها برگزار شد. در این انتخابات، حزب جمهوریخواه - حزب

رئیس جمهوری - اکثریت خود در مجلس نمایندگان را پس از هشت سال از دست داد اما توانست اکثریت خود در سنا را (تا سه کرسی) افزایش دهد. حزب جمهوریخواه با کسب کرسی های متعلق به ایالت های فلوریدا، میسوری، ایندیانا و داکوتای شمالی اکثریت خود در سنا را افزایش داده است. به گفته ناظران، ترامپ به خصوص پیروزی در دو ایالت فلوریدا و میسوری را که گرایش

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org